www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3992/7027/85174?ParentID=82019

[پیام زن](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/3992)، [آذر 1387 - شماره 201](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3992/7027/0)

**نقش‏آفرینی بانوان در عرصه تبلیغ دین(6)**

**فعالیت‏های تبلیغی بانوان متعهد در دوره خلافت امیرمؤمنان(ع)**

**سید عباس رضوی**

|  |
| --- |
| دوران حکومت علی (ع) از زمان‏های حساس و سرنوشت ساز تاریخ اسلام است وپس از دوره نبوی بیشترین برکت‏ها و ره‏آوردهای مادی و معنوی را برای مسلمانان در پی داشته است.  استقبال عمومی مهاجرین و انصار برای بیعت با امیرمؤمنان آن چنان گسترده بود که افزون بر مردان، بانوان و دوشیزگان نیز برای بستن عهد و پیمان با امام، از خانه‏ها بیرون آمدند و در مسجد پیامبر با آن حضرت بیعت کردند.  امام علی (ع) بارها از ماجرای روز بیعت یاد کرده است از جمله:  «و بلغ من سرور الناس ببیعتهم ایای ان ابتهج بها الصغیر و هدج الیها الکبیر و تحامل نحوها العلیل و حسرت الیها الکعاب؛(1) سرور و خوشحالی مردم آن روز به خاطر بیعت با من، چنان شدت داشت که کودکان به وجد آمده و پیران خانه‏نشین باپای لرزان خود برای دیدار منظره این بیعت به راه افتاده بودند وبیماران بر دوش افراد سوار شده و دوشیزه‏گان نو رسیده، بر اثر شتاب بدون نقاب در جمع حاضر شده بودند.»  بانوان مسئولیت آشنا و با بصیرت، در این دوره نستباً کوتاه، فعالیت‏های کارساز و ثمربخشی را در دفاع از کیان اسلام و مکتب اهل بیت (ع) و رساندن پیام‏های علوی به مردم از خود به ثبت رسانیدند که گذشت روزگاران آن را کمرنگ نکرده است. مورخان و ادیبان بخشی از سخنان این بانوان فرزانه را به عنوان شاهکارهای ادبی و تاریخی به حافظه تاریخ سپرده‏اند.  **1. روشنگری‏های بانوان دین‏آشنا در جریان نبرد جمل.**  نبرد جمل، از درگیری‏های داخلی و سهمگین و پر ماجرای ماههای نخست خلافت علی(ع) بود و چالش‏ها و خسارت‏های فراوانی را برای جامعه اسلامی و حکومت نظام نوپای امیرمؤمنان(ع) در پی داشت.  به تعبیر دیگر، مخالفان برنامه امام علی(ع) از همان قدم‏های نخست و پیش از استقرار کامل آن، جنگی خونین و هولناکی را به هدف ناکام گذاشتن برنامه‏های علی(ع) آغاز کردند که تلاش آنان بالطف خداوند و همت جوانمردان متعهد به شکست انجامید.  پس از کشته شدن خلیفه سوم و بیعت مسلمانان و مهاجرین و انصار با علی (ع) عده‏ای از مهاجرین مانند: طلحه و زبیر به همراه گروهی از امویان و «طلقا» مانند: مروان بن‏حکم، بیعت خود با علی را زیر پا نهادند. آنان به عراق رفتند و باکشتن بیش از چهارصد نفر از پاسداران و مخالفان، بیت‏المال شهر بصره را تصرف کرده و به علی(ع) آشکارا اعلان جنگ دادند.(2)  شورشیان که سپس‏ها به یاغیان شهره شدند. ام‏المؤمنین عایشه را نیز با خود همراه کردند. بودن عایشه در میان این گروه به عنوان ام‏المؤمنین و دختر خلیفه اول که از زبان آوری و فصاحت و بلاغت و شجاعت فطری برخوردار بود، امتیازات فراوانی برای سپاه طلحه و زبیر در پی داشت و توده‏های فراوانی از عراقیان و قبیله ازد را با آنان همراه کرد.  انگیزه ظاهری ام‏المؤمنین عایشه، خونخواهی عثمان(3) و در برخی از گزارش‏ها، ایجاد اصلاح در میان مردم و جلوگیری از خونریزی! عنوان شده است .  مخالفان امیرمؤمنان، با نشر انواع شایعه‏ها و دروغ‏پردازی‏ها، فضایی فتنه‏زا، تاریک و غبارآلود در جامعه اسلامی ایجاد کردند و در میان عراقیان و مردمانی که از ماجرای کشته شدن عثمان بی‏خبر بودند چنین پراکندند که عثمان بناحق کشته شده است و ما برای خون‏خواهی او به میدان آمده‏ایم.  شورشیان بصره، اهداف واقعی خود از مبارزه باامیرمؤمنان(ع) مانند: قدرت‏طلبی و رسیدن به قدرت و خلافت و نیز مانع‏گستری بر اهداف عدالت‏طلبانه علی(ع) و جلوگیری از تقسیم عادلانه بیت المال و ... را پنهان می‏داشتند. اینان در پوشش حمایت از همسر پیامبر(ص) از جایگاه مقدس و برجسته «مادر مؤمنان» در میان مسلمانان، سوءاستفاده کرده و مردمان ناآگاه بصره را با خود همراه ساختند.  افزون بر مردان صحابی و مهاجر بانوان روشن ضمیر و متعهدی که در متن جریان قرار داشتند ساکت ننشسته و به میدان آمدند و برای از میان بردن تبلیغات گمراه کننده سپاه جمل، فعالیت‏ها کردند. این گروه از بانوان که با تفسیر قرآن آشنا بودند و سنت و سیره پیامبر را به یاد داشتند، با همه وجود از جایگاه علی(ع) و مظلومیت خاندان پیامبر برای مردم سخن گفتند و با روشنگری‏های بجا و بموقع به فتنه‏زدایی پرداختند. بانوان هوشیار به کسانی که از سر ناآگاهی و تعصبات قومی در گرداب فریب قدرت‏طلبان دچار آمده بودند، پندها داده و به کسانی که از رویدادهای مدینه و مقدمات کشته شدن خلیفه سوم و کشندگان او، بی‏خبر بودند آگاهی دادند که طلحه و زبیر به ناروا دعوی خونخواهی عثمان می‏کنند. آنان خود در رأس مخالفان عثمان بودند و اگر قرار باشد کسی به جرم کشتن خلیفه به داوری کشانده شود این دو نفرند. و علی(ع) نه تنها نقشی در تحریک مردم مدینه علیه خلیفه نداشت که آنان را از تندروی باز می‏داشت و به او آب و غذا می‏رساند.  عایشه نیز در پیشاپیش مخالفان عثمان قرار داشته و مردم را به کشتن او تشویق می‏کرده است. افزون بر آن پیامبر راه را به ما نشان داده که به هنگامه اختلاف میان امت به کدامین راه باید رفت. پیامبر (ص) هماره تأکید فرموده: در اختلاف راهها و دیدگاهها، باید به راه علی(ع) رفت. که راه و رسم علی (ع) امت را به راه و سنت پیامبر می‏برد و راه او، راه قرآن است و بس. همه همسران پیامبر با پیوستن عایشه به گروه شورشیان بصره مخالفت کردند و در وقت خروج عایشه برای رفتن به بصره بر اسلام و آینده مسلمانان می‏گریستند.(4)  **سخنان ام‏سلمه به عایشه**  ام‏سلمه از همسران برجسته پیامبر(ص) برای جلوگیری از جنگ و به ویژه باز داشتن ام‏المؤمنین عایشه از همراه شدن با مروان حکم، فعالیت‏ها کرد، به او اندرزها و هشدارها داد و با خواندن آیاتی که در شرح وظایف زنان پیامبر نازل کردیده، تأکید کرد.  همسران پیامبر را به این کارها چه کار؟ آنان باید در خانه خود بنشینند و به کارهای شایسته و بایسته خود پردازند.  ام‏سلمه، وقتی شنید، عایشه نیز با مروان برای مبارزه با خلیفه مسلمانان، به عراق می‏رود چندان گریست که روبندش از اشک تر شد. جامه بیرونی خود را پوشید و برای باز داشتن ام‏المؤمنین عایشه از ستیزه‏گری با علی(ع) و پند دادن به او، نزد وی رفت و گفت: «همانا که تو دژ میان رسول خدا و امت اویی و حجاب تو بر پایه رعایت حرمت آن حضرت استوار شده است و قرآن کریم دامنت را جمع کرده است. آن را آشکار مساز، آزرم خود را حفظ کن و آن را از میان مبر. خدا را، خدا را، در مورد توجه نکردن به آیه حجاب.(5)  پیامبر وضع تو را می‏دانست و اگر لازم بود در این باره به تو عهد و سفارش می‏کرد: و حال آنکه تو را از ورود در این کار منع کرد و تو می‏دانی که اگر ستون دین، کژی و انحرافی یابد و شکافی بردارد با زنان استوار و ترمیم نمی‏شود. پسندیده‏ترین دفاع زنان از حریم دین، چشم پوشیدن از نامحرم و دامن زیر پای خود کشیدن و گام ننهادن در این امور (فتنه) است. و اگر پیامبر(ص) تو را در این صحرا و فلات بر شتران تندرو ببیند که از آبشخوری به آبشخور دیگر می‏روی چه پاسخ‏خواهی داد؟! در حالی که عهد او را رها کرده و حجابی را که او بر تو نهاده است دریده‏ای و خدای نعمّتی را که به تو ارزانی داشته به سبب این نافرمانی تو نسبت به پیامبر ،بر تو دگرکون خواهد کرد. آیا می‏دانی که به خدا سوگند اگر من این کار تو را انجام دهم و سپس به من گفته شود وارد بهشت شو، آزرم می‏کنم که چگونه با پیامبر(ص) رویاروی شوم در حالی که حجابی را که برای من مقرر کرده است دریده باشم؟ توهم گوشه‏خانه خود را حصار خویش پندار وچنان باش که پنداری آرامگاهت کنج خانه توست و در این صورت بهترین حالت فرمانبرداری را عمل کرده‏ای و بنگر تا آنچه را که در دین روا و جایز است انجام دهی».  عایشه گفت: «پند و اندرز و خیرخواهی تو را می‏دانم ولی این راهی را که برگزیده‏ام راه خوبی است. هنوز هم تصمیم قطعی نگرفته‏ام اگر خودداری کنم گناهی نکرده‏ام و اگر بروم چاره نیست و از این‏گونه کارها ناگزیرم!».(6) چون ام سلمه دید که ام المومنین عایشه از بیرون رفتن با آن قوم سرکش خودداری نمی‏کند به خانه خویش برگشت و به گروهی از مهاجران و انصار پیغام فرستاد و گفت: عثمان را با حضور شما کشتند. و این دو مرد (طلحه و زبیر) همچنان که دیدید مردم را بر او می‏شوراندند و چون کارش تمام شد هر دو با علی(ع) بیعت کردند و اکنون هر دو بر علی(ع) خروج کرده و می‏پندارند که خون عثمان را مطالبه می‏کنند و قصد دارند همسر رسول خدا را با خود ببرند و حال آنکه پیامبر(ص) با همه همسران خود عهد کرده است: در خانه‏های خود آرام بگیرید. اکنون اگر عایشه عهدی غیر از این دارد آن را آشکار کند و به ما نشان دهد تا ما هم از آن آگاه گردیم. اکنون ای بندگان خدا از خدا بترسید که ما به شما فرمان می‏دهیم. از خدای بترسید و به ریسمان او دست یازید و خداوند ولی ما و شماست.»(7)  ام‏سلمه، برای بازداشتن عایشه از سفر به بصره از پای نایستاد و باز برایش پیغام فرستاد و گفت: «پندت دادم نپذیرفتی و حال آنکه عقیده‏ات را درباره عثمان می‏دانم اگر او از تو یک جرعه آب می‏خواست به او نمی‏دادی و اکنون می‏گویی عثمان مظلوم کشته شده است و می‏خواهی مردم را برای جنگ با کسی که هم اکنون و هم در گذشته سزاوارترین همه بر خلافت است، بشورانی؟! از خدای آنچنان که باید، بترس و خویشتن را در معرض خشم خداوند میفکن».  عایشه به ام‏سلمه پیغام داد: «اما آنچه از عقیده من که در باره عثمان می‏دانی همان‏گونه بود و اکنون برای بیرون آمدن از آن گناه چاره‏ای جز مطالبه خون او ندارم!! و اما در مورد علی، من به او فرمان می‏دهم که این کار را به شورایی میان مردم واگذارد و اگر چنان نکند بر چهره‏اش شمشیر می‏زنم تا خداوند آنچه می‏خواهد پیش آورد.»  ام‏سلمه پاسخ فرستاد: «که من از این پس نه تو را پند خواهم داد و نه با تو سخن خواهم گفت، قدرت و کوشش خود را بکار بردم و به خدا سوگند برای تو بیم دارم که بدبخت شوی و به آتش درافتی، به خدا سوگند که این گمان تو باطل خواهد شد و خداوند علی بن‏ابی طالب را بر هر کس که بر او ستم کند یاری خواهد داد و به زودی سرانجام آنچه را که گفتم خواهی دانست.»(8)  ام‏سلمه جریان ملاقات و گفتگوی خود با عایشه را برای علی(ع) نوشت.(9)  **علی خلیفه پیامبر(ص)**  ام‏سلمه در استدلال دیگر برای اثبات حقانیت راه علی تأکید کرد که علی ولی مسلمانان است و پیامبر(ص) او را ولی همه زنان و مردان مؤمن و خلیفه خود خوانده است. و در تعارض میان راه علی و دیگران باید راه او را طی کرد.  **ام‏سلمه و عبدالله بن‏زبیر**  آنگاه که ام‏سلمه تلاش داشت عایشه را از همراهی با شورشیان بازدارد، عبدالله بن‏زبیر به ام‏سلمه اعتراض کرد و گفت: تو با آل زبیر از پیش دشمنی داشتی. ام سلمه گفت: تو فکر می‏کنی با وجود علی(ع) که رسول خدا(ص) درباره‏اش فرمود: «علیّ ولیّ کلّ مؤمن و مؤمنه» مردم به سراغ پدر تو و طلحه می‏روند؟! عبدالله گفت: ما چنین چیزی از رسول خدا(ص) نشنیده‏ایم. ام‏سلمه گفت: اگر تو نشنیدی خاله تو عایشه شنیده است. من خود از رسول خدا شنیدم که فرمود:  «علیّ خلیفتی علیکم فی حیاتی و مماتی فمن عصاه فقد عصانی؛ علی در زندگی و پس از مرگم جانشین من است. هر کس با او مخالفت ورزد با من مخالفت کرده است». عایشه نیز تصدیق کرد این مطلب را از رسول خدا شنیده است!!»(10)  عده دیگر از زنان و مردان نیز بر وصایت علی (ع) تأکید کردند.(11)  از بانوان، ام‏سنان دختر خَیثمة بن‏خرشه در وصف علی(ع) می‏گفت:  قَد کُنتَ بعد محمد خلفا لنا اوصی الیک بنا فکنتَ وفیّا(12)  «پس از محمد(ص) تو باقی مانده او برای ما هستی او به تو در باره ما وصیت کرده و تو وفادار هستی»  **جانبداری ام‏المؤمنین، میمونه از علی(ع)**  میمونه، همسر دیگر پیامبر(ص) نیز هنگامی که شنید طلحه و زبیر سر به نافرمانی برداشته به کسی که این خبر را آورده بود گفت: به علی(ع) بپیوند.  جری بن‏سمره گفته است: چون بین شورشیان بصره و علی بن‏ابی‏طالب ماجرا به رویارویی کشید، به مدینه آمدم و به نزد میمونه بنت حارث رفتم، بر او سلام کردم، پرسید: از کجایی؟ گفتم: از اهل عراق، گفت: از کدام سو؟ گفتم: از اهالی کوفه.  گفت: از کدام قبیله کوفی؟ گفتم: از بنی عامر.  گفت: مرحبا، مرحبا. برای چه کار اینجا آمده‏ای؟  گفتم: (برای پرس و جو از) ماجرای علی و طلحه و زبیر و من با علی بیعت کرده‏ام.  میمونه گفت: به علی بپیوند که به خدا سوگند او هرگز گمراه نشده و کسی به وسیله او گمراه نگشته است. میمونه این سخن را سه بار تکرار کرد.(13)  سلمی همسر ابورافع که همه افراد خانواده‏اش در این ماجرا به علی پیوستند می‏گفت: من با پیامبر(ص) در بازار بودم، حضرت فرمود: اینک با مردی روبه‏رو خواهید شد از اهل بهشت، در این هنگام صدای پایی به گوشم رسید نگاه کردم دیدم علی بن ابی‏طالب است.(14)  **دفاع اسماء از علی(ع)**  اسماء بنت عمیس، نیز بر حقانیت راه علی(ع) تأکید می‏کرد. اسماء که فرزندانش در خدمت امام بودند، مکرراً از پیامبر(ره) نقل می‏کرد که بر جانشینی علی(ع) تأکید کرده و می‏فرمود:  «اَنت منّی بمنزلة هارون من موسی ولکن لانبیّ بعدی؛(15) تو در نزد من همان جایگاهی را داری که هارون در نزد موسی داشت. جز این که پیامبر پس از من نیست.»  **پی‏نوشتها:**  1 نهج‏البلاغه، خ 229.  2 شرح نهج‏البلاغه، ابن ابی‏الحدید، ج 9، ص321.  3 الکامل فی التاریخ، ابن‏ایثر، ج 3، ص208، دارصادر.  4 تذکرة‏الخواص، سبط بن‏جوزی، ص68.  5 احزاب، آیه 33.  6 شرح نهج‏البلاغه ابن ابی‏الحدید، ج 6، ص220، 221؛ نبرد جمل، شیخ مفید، ترجمه: مهدوی دامغانی، ص143.  7 نبرد جمل، ص144.  8 همان، ص244.  9 شرح نهج‏البلاغه، ابن ابی‏الحدید، ج6، ص217.  10 تاریخ خلفا، رسول جعفریان، ص224. نشر الهادی، الفتوح، ج2، ص283.  11 شرح نهج‏البلاغه، ابن ابی‏الحدید، ج 1، ص149، الغدیر، ج2، ص68.  12 تاریخ خلفا، ص214، به نقل از الوافدات، ص24.  13 المعجم‏الکبیر، طبرانی، ج 24، ص10، تحقیق: عبدالمجید سلفی. عراق، داراحیاء التراث الاسلامی.  14 همان، ص301.  15 المعجم الکبیر، ج24، ص146. |